



## بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجتمع آموزش عالی علمی -

### کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان

هادی میناب پودینه<sup>۱</sup>، غلامعباس ملاشاهی<sup>۲\*</sup>، مقداد ناصحی نیا<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند، <sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه تبریز، <sup>۳</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

#### چکیده

یکی از اجتماعات کوچک اما پر تأثیر در سطح کشور، جمعیت دانشجویی دانشگاه‌های علمی- کاربردی و مراکز وابسته می‌باشند که مدیران آینده‌ی جامعه را تشکیل می‌دهند. بر همین اساس بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی- کاربردی، می‌تواند مجریان را در تولید دانش‌آموختگانی کارآ و اثربخش در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و خدمات یاری رساند. از این رو هدف تحقیق حاضر بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجتمع آموزش عالی علمی- کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد که از نوع کاربردی و به لحاظ روش، پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل ۹۳۶ نفر از دانشجویان مقطع کاردانی مجتمع آموزش عالی علمی- کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان بود که با توجه به فرمول کوکران ۲۰۸ نفر از آنان بعنوان حجم نمونه تعیین گردیدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه‌ای بود که روایی آن توسط کمیته تحقیق و پایایی پرسشنامه نیز توسط ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. داده‌های مورد نیاز توسط پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS.20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های حاصل از تحلیل همبستگی با استفاده از آزمون پیرسون بیانگر آن بود که بین ساعات مطالعه روزانه، ویژگی‌های محیط آموزشی، ویژگی‌های اساتید، ویژگی‌های شخصیتی و عزت نفس دانشجویان با پیشرفت تحصیلی آنان رابطه مثبت و معنی‌دار و بین سن دانشجو و تعداد اعضای خانوار با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی و معنی‌داری وجود داشت. در ضمن اینکه نتایج حاصل از مقایسه میانگین بین متغیرها نیز نشان داد که بین جنسیت دانشجویان، نوع رشته دیپلم، علاقه به رشته تحصیلی و تحصیلات والدین دانشجویان با پیشرفت تحصیلی آنان اختلاف معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نیز نشان داد که بین ویژگی اساتید در سطح ۹۹ درصد و بین ساعات مطالعه روزانه و عزت نفس دانشجو در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری با پیشرفت تحصیلی ملاحظه شد ولی بین تعداد اعضای خانوار دانشجو با پیشرفت تحصیلی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معنی‌داری وجود داشت، که در مجموع این متغیرها ۴۰ درصد از تغییرات متغیر پیشرفت تحصیلی را تبیین نمودند.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، جهاد کشاورزی، استان سیستان و بلوچستان، دانشگاه علمی- کاربردی.



## مقدمه

رشد و توسعه‌ی جامعه انسانی با نیروی کار جامعه و مهارت‌های وی ارتباط تنگاتنگی دارد. با پیشرفت جامعه و افزایش پیچیدگی فن‌آوری‌های مربوطه اهمیت نیروی کار آگاه، ماهر و آموزش دیده نیز بیشتر و بیشتر شده است، زیرا دانایی گوهری است که به انسان‌ها هدیه شده است و آن‌ها با این سرمایه‌ی معنوی نه تنها تن و جان خویش را توانا می‌سازند بلکه حیات اجتماعی را نیز دگرگون می‌کنند (شریعتمداری، ۱۳۸۳). واقعیت این است که در جهان امروز آن‌چه بیش از همه دارای اهمیت است، نیروی انسانی است، بطوری که اقتصاددانان معتقدند آنچه در نهایت، خصوصیت روند توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تعیین می‌کند، منابع انسانی آن کشور است، نه سرمایه و یا منابع مادی دیگر. این منابع انسانی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را به وجود می‌آورند و توسعه‌ی ملی را پیش می‌برند. کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد (همان منبع). تربیت نیروی انسانی کارآمد از جمله وظایف اصلی دانشگاه‌ها محسوب می‌گردد. دانشجویان هر دانشگاه سرمایه‌های گرانقدر هر کشور به شمار می‌روند که توجه به تربیت آنها از نظر علمی، پژوهشی و فرهنگی بسیار حائز اهمیت است و برنامه‌ریزی صحیح در آموزش و پرورش آنان از وظایف اصلی دانشگاه‌ها به حساب می‌آید. دانشگاه‌ها همه ساله دانشجویان جدیدالورود را پذیرش و دانشجویانی را نیز فارغ التحصیل می‌نمایند که در این چرخه‌ی مستمر، توجه به کیفیت آموزشی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دانشگاه‌ها به عنوان مراکز تولیدکننده علم و فرهنگ و تربیت متخصصان مورد نیاز کشور، به طور قاطع، خاستگاه بسیاری از نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها برای حل مسائل روز جامعه هستند (رودباری و همکاران، ۱۳۸۹).

اگرچه گسترش بیش از پیش دانشگاه‌ها و افزایش پذیرش دانشجو، مشکل کمبود نیروی انسانی را در برهه‌هایی از زمان بر طرف ساخت، ولی موجب شد تا کیفیت آموزش سیر نزولی پیدا کند و در حقیقت کیفیت فدای کمیت شود، زیرا افزایش بودجه‌ی اختصاص یافته به دانشگاه‌ها برای آموزش دانشجویان، به هیچ وجه متناسب با افزایش پذیرش دانشجو نبوده، بنابراین مراکز آموزشی مجبور به ارائه خدمات بیشتر در قبال منابع محدود گذشته شدند. نگاهی به روند تحولات جاری نظام آموزش عالی، حاکی از آن است که آموزش عالی باید ضمن توجه به بحران افزایش کمی و تنگناهای مالی، به حفظ و بهبود ارتقای کیفیت نیز بپردازد. شواهد گوناگون نیز حاکی از آن است که این نظام در صورتی از عهده‌ی وظایف و اهداف خود بر می‌آید که از نظر کیفیت آموزشی در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشد (فیروزکوهی مقدم، ۱۳۸۱). یکی از مراکز آموزشی فعال در نظام آموزش عالی کشور، دانشگاه‌های علمی-کاربردی هستند که هدف اصلی آن‌ها تربیت نیروی انسانی کارآمد برای احراز شغل و حرفه معین است. در نظام آموزشی علمی-کاربردی، ضمن توجه به آموزش اصول و مبانی علمی مرتبط با شغل، تأکید اصلی بر آموزش مهارت‌های شغلی است. بنابراین آموزش‌های علمی-کاربردی از این نظر که معطوف به شغل است با آموزش‌های فنی-حرفه‌ای و از این نظر که به مبانی عملی توجه دارد، با آموزش‌های عالی فصل مشترک دارد. لذا باتوجه به نقش آموزش‌های علمی-کاربردی در تربیت نیروی کاردان، اصلاح هرم نیروی انسانی و اشتغال‌زایی، توسعه‌ی این آموزش‌ها مد نظر بسیاری از صاحب نظران و برنامه‌ریزان قرار گرفته است (دانشگاه جامع علمی-کاربردی، ۱۳۷۶).

افت تحصیلی یکی از مسائل گریبانگیر سیستم آموزشی در همه‌ی مقاطع تحصیلی است و موجب کاهش سطح علمی و کارایی دانشجویان می‌شود. چنین شکست تحصیلی، علاوه بر مشکلاتی که برای فرد دانشجو و خانواده‌ی وی ایجاد می‌کند، خسارت فراوانی نیز برای جامعه در پی خواهد داشت، چرا که باعث به هدر رفتن میزان قابل توجهی از امکانات، منابع و استعدادهاى بالقوه‌ی انسانی و اقتصادی شده و اثرات غیر قابل جبرانی را در ابعاد فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد (منیری و همکاران، ۱۳۸۵). از سوی دیگر فارغ التحصیلانی که با افت تحصیلی دانشگاه را به اتمام می‌رسانند، توانمندی علمی مورد نیاز را به نحو مطلوب کسب نمی‌کنند. در واقع اگر بخواهیم به صراحت معیار روشن بهره‌وری و توفیق نظام آموزشی را بیان نماییم، شاید هیچ واژه‌ای گویاتر از پیشرفت تحصیلی نباشد. زیرا در هر دانشگاهی مسئولان و مدیران همیشه در پی حفظ و کسب بالاترین کیفیت آموزشی هستند.



بنابراین یکی از مقیاس‌هایی که بطور خاص برای ارزیابی کیفیت آموزش به کار می رود، پیشرفت تحصیلی است. پیشرفت تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی اطلاق می‌شود که به وسیله آزمون‌های فراگیری استاندارد شده یا آزمون‌های معلم ساخته اندازه‌گیری می‌شود. بطور کلی این اصطلاح به معنای مقدار یادگیری آموزشی فرد است به طوری که بتوان آن‌ها را در مقوله کلی عوامل مربوط به تفاوت‌های فردی و عوامل مربوط به مدرسه و نظام آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار داد (سلیمان نژاد و شهرآرایی، ۱۳۸۰). چنانچه آموخته‌های آموزشی متناسب با توان و استعداد فرد بوده و در یادگیری فاصله‌ای بین توان بالقوه و توان بالفعل او نباشد می‌توان گفت: دانش‌آموز به پیشرفت تحصیلی نایل گردیده است (عصاره، ۱۳۷۸).

### پیشینه تحقیق

عابدی و عریضی (۱۳۸۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه‌ی پیشرفت تحصیلی با ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی فراگیران»، به این نتیجه رسیدند که متغیرهای شخصیتی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی، هوش، مهارت و عزت نفس، اضطراب عمومی و سطح زندگی با پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری دارند. آبینکی فرد (۱۳۸۲) نیز نشان داد که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی و همچنین بین انگیزه‌ی پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بین عزت نفس، انگیزه‌ی پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. زمانی و امیری (۱۳۸۲)، عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان کشاورزی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که رشته تحصیلی دوره‌ی متوسطه، سهمیه‌ی ورود به دانشگاه، سال ورود و سال فراغت از دانشگاه، با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان همبستگی دارد. با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، سطح سواد پدر دانش‌آموزان، میزان همکاری آنها با تشکلهای و انجمن‌های دانشجویی، میزان ارتباط آن‌ها با استادان دانشکده، اعتقاد آن‌ها به میزان مطلوبیت استادان مشاور، اعضای هیأت علمی و درس‌های اختصاصی کشاورزی و همچنین میزان رضایت‌مندی آن‌ها از دانشکده با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معنی‌دار داشته است. پورآنتشی و همکاران (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ی خود به تحلیل عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته‌های کشاورزی پرداختند. نتایج نشان داد که مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب عبارتند از: علاقه به رشته تحصیلی، مناسب بودن امکانات کتابخانه و انگیزه‌ی تحصیل است. همچنین نتایج مربوط به تحلیل عاملی از استخراج پنج عامل حکایت می‌کند که عبارت از: نگرشی، امکانات، آموزشگر، آموزشی و روابط انسانی است. حجازی و هاشمی‌نژاد (۱۳۹۰)، طی تحقیقی به مطالعه نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در پیشرفت تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران پرداختند که نتایج حاکی از معنی‌داری متغیرهای استفاده از سایت‌ها و نرم‌افزارهای ویژه رشته تخصصی، استفاده از ایمیل به منظور رفع مشکلات درسی و تهیه پاورپوینت برای ارائه مطالب در کلاس درس با متغیر وابسته یعنی پیشرفت تحصیلی بود. در تحقیقی جعفری نژاد و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و روش‌های مطالعه با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان کارشناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین روش مطالعه عمقی و سطحی و ویژگی‌های شخصیتی شامل وظیفه‌شناسی، روان‌رنجوری و برون‌گرایی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد، یعنی دانشجویانی که دارای ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، سازگاری و وظیفه‌شناسی‌اند و از روش مطالعه عمقی استفاده می‌کنند، پیشرفت تحصیلی بیشتری دارند. سنایی نسب و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیق تحت عنوان عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، که بر روی ۱۸۰ دانشجوی رشته‌ها و مقاطع مختلف یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که متغیرهای جنسیت، گروه سنی، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، علاقه به رشته تحصیلی و سبک یادگیری، تفاوت معنی‌داری را در شاخص پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارند. در پژوهشی دیگر قربانی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی ارتباط بین تیپ شخصیتی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین پرداختند که نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که بین ویژگی شخصیت برون‌گرایی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین مشخص گردید که بین پیشرفت تحصیلی و محل سکونت ارتباط معنی‌داری وجود دارد بدین



معنا که دانشجویانی که در خوابگاه زندگی می‌کردند پیشرفت تحصیلی بهتری داشتند. همچنین در این مطالعه مشخص گردید که بین پیشرفت تحصیلی و سهمیه ی پذیرش رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جانسون (۱۹۹۱)، در مطالعه ای نشان داد که برخی مشخصات دانشجویان مانند جنسیت، تعداد دروس ریاضی، میانگین دروس کشاورزی و تجربیات مزرعه با پیشرفت تحصیلی آنها در رشته‌ی ماشین‌های کشاورزی ارتباط دارد. سازمان یونسکو (۱۹۹۲)، طرح تحقیقی با هدف عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی اجرا نمود. نتایج پژوهش نشان داد. عواملی چون محیط آموزش، ویژگی های مدرس، ویژگی های یادگیرنده و خانواده در پیشرفت تحصیلی تأثیر دارد که هر یک از این عوامل چهارگانه تابع شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه می باشد. پاترسون (۲۰۰۱)، در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل تأثیر گذار بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان» در جامعه آماری ۱۵۰ نفر از دانش‌آموختگان چنین بیان کرده است، که عوامل خانوادگی مانند فقدان والدین و یا یکی از آنها، درآمد، عوامل روان شناختی مانند انگیزه و خودپنداره با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی دار دارد. هریسون و همکاران (۲۰۰۶)، در پژوهشی تحت عنوان تعامل معلم و شاگرد عنوان کرد که ارتباط خوب بین معلم و شاگرد سبب بهبود و افزایش سازگاری تحصیلی و انگیزه ی پیشرفت در دانش‌آموزان می گردد. دانش‌آموزانی که دارای مشکلات روحی و رفتاری می باشند آنها را هستند که روابط معلم و شاگرد را بصورت ضعیف تجربه نموده اند.

بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی می تواند رویکردی مناسب در جهت برنامه‌ریزی، توسعه و تکامل برنامه‌های آموزشی ایجاد کند. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع در شرایط کنونی این مطالعه با هدف بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجتمع آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان طراحی شده که برای رسیدن به این هدف، اهداف جزئی زیر دنبال شده است:

- بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دانشجویان مجتمع آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان.

- بررسی ویژگی‌های خانوادگی دانشجویان مجتمع آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان.

- بررسی ویژگی‌های تحصیلی دانشجویان مجتمع آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان.

- بررسی ویژگی‌های آموزشی و محیطی محل تحصیل دانشجویان مجتمع آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان.

- بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی دانشجویان مراکز علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان.

## روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از جنبه هدف از نوع کاربردی، از نظر میزان نظارت و درجه کنترل، میدانی و از لحاظ گردآوری اطلاعات توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. این تحقیق همبستگی بین متغیرهای تحقیق و معنی‌دار بودن اختلافات بین میانگین متغیرهای مستقل و نیز پیش‌گویی تغییرات متغیر وابسته بر اثر تغییرات متغیرهای مستقل را مورد مطالعه قرار می‌دهد. متغیر وابسته این تحقیق پیشرفت تحصیلی دانشجویان مجتمع آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد که براساس میانگین معدل ترم‌های گذشته (معدل کل) دانشجویان و تعداد ترم‌های مشروطی مورد مطالعه قرار گرفته و برای سنجش آن، از رابطه‌ی:  $Y = M_1 - 1/2M_2$  استفاده شد که در آن،  $M_1$  میانگین معدل نیم‌سال‌های گذشته (معدل کل) و  $M_2$  تعداد ترم‌های مشروطی در ترم‌های گذشته می‌باشد (حجازی، ۱۳۸۳).

متغیرهای مستقل تحقیق نیز عبارت از: سن، جنسیت، وضعیت اشتغال دانشجویان، بومی یا غیر بومی بودن، نوع رشته دیپلم، تعداد اعضای خانوار، سطح تحصیلات پدر و مادر، شغل والدین، خاستگاه سکونت، وضعیت اقتصادی خانواده دانشجویان، علاقه به رشته‌ی تحصیلی، تعداد ساعات مطالعه‌ی دروس، معدل دیپلم، نوع رشته‌ی دیپلم، هوش، استعداد، خلاقیت، عزت نفس، انگیزه‌ی پیشرفت، ویژگی‌های شخصیتی، محیط فیزیکی دانشگاه، تجهیزات و امکانات آموزشی و همچنین ویژگی‌های اساتید مراکز بودند.



جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانشجویان مجتمع علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان در چهار مرکز آموزش علمی-کاربردی جهاد کشاورزی در شهرستان های زاهدان، زابل، ایرانشهر و چابهار در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ تشکیل می دادند که برابر با ۹۳۶ نفر بودند که با عنایت به ساخت و ترکیب جامعه آماری و گستردگی جامعه آماری بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۰۸ نفر از این جامعه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور انتخاب نمونه ها نیز با توجه به تفاوت فراوانی تعداد دانشجویان در چهار مرکز علمی-کاربردی مورد مطالعه، از روش نمونه گیری تصادفی با انتساب متناسب استفاده شد. ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده ها و اطلاعات، پرسشنامه بوده است که جهت سنجش میزان اعتبار پرسشنامه، از نظرات و پیشنهادات چند تن از کارکنان مراکز علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استفاده گردید و بر حسب پیشنهادات آنان اصلاحات لازم در پرسشنامه انجام گرفت. جهت آزمون پایایی پرسشنامه، ابتدا تعداد ۳۰ پرسشنامه به طور تصادفی بین ۳۰ نفر از دانشجویان خارج از نمونه مورد مطالعه این مجتمع در استان توزیع شد. پس از جمع آوری پرسشنامه های مذکور، با استفاده از نرم افزار SPSS و فرمول آلفای کرونباخ، اعتبار بخش های مختلف پرسشنامه به میزان ۰/۸۶، ۰/۹۴ و ۰/۸۴ به ترتیب برای ویژگی های محیط آموزشی، ویژگی های اساتید و ویژگی های روانشناختی بدست آمدند که ضرایب مناسبی برای تحقیق حاضر بودند. پرسشنامه از پنج بخش تشکیل شده بود که در بخش اول، ویژگی های فردی دانشجویان، در بخش دوم ویژگی های تحصیلی دانشجویان، در بخش سوم، ویژگی های خانوادگی، در بخش چهارم، عوامل آموزشی از قبیل ویژگی های محیط دانشگاه و ویژگی های اساتید با استفاده از طیف لیکرت و در قسمت پنجم ویژگی های روان شناختی دانشجویان نیز در قالب طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از تحقیق از آماره های توصیفی نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات و آماره های استنباطی مانند ضرایب همبستگی، مقایسه میانگین و تحلیل رگرسیون استفاده گردید.

## نتایج

### آماره های توصیفی

یافته های پژوهش نشان داد که اکثر پاسخگویان مرد بوده که این تعداد ۷۷/۵ درصد کل جمعیت پاسخگویان را شامل شد. همچنین یافته ها مشخص نمود که بیشترین فراوانی به افرادی از گروه سنی ۲۵-۲۱ سال تعلق داشت و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۰-۲۶ سال بود و میانگین سنی افراد نیز ۲۶ سال تعیین شد. بررسی وضعیت اشتغال دانشجویان مورد مطالعه نشان داد که اکثر آنها یعنی حدود ۶۶ درصد از دانشجویان در کنار تحصیل هیچ شغل خاص دیگری ندارند و ۳۴ درصد اعلام نمودند که در کنار تحصیل، شاغل نیز می باشند. بررسی وضعیت بومی یا غیر بومی بودن دانشجویان مورد مطالعه نیز نشان داد که فقط ۳ نفر از این دانشجویان غیر بومی استان سیستان و بلوچستان بوده و مابقی دانشجویان یعنی ۲۰۵ نفر بومی استان بودند. نوع رشته دیپلم دانشجویان علمی-کاربردی جهاد کشاورزی مشخص نمود که ۵۲ درصد آنها دارای دیپلم در گرایش های غیر کشاورزی بودند و ۴۸ درصد آنها دارای دیپلم در گرایش های مختلف کشاورزی بودند. وضعیت معدل دیپلم دانشجویان مورد مطالعه حاکی از آن بود که بیشترین فراوانی به افرادی با معدل بین ۱۴-۱۰، با فراوانی ۱۰۰ نفر (۴۸ درصد) تعلق داشت و ۷۸ نفر نیز معدل آنها بیش از ۱۴ بود. میانگین معدل افراد ۱۴/۳ بوده و حداقل و حداکثر معدل دانشجویان مورد مطالعه به ترتیب برابر با ۱۱/۳۳ و ۱۸ بود. مطالعه معدل فوق دیپلم دانشجویان مورد مطالعه که بیانگر معدل کل این دانشجویان تا زمان تکمیل پرسشنامه بود نشان داد که ۴۱ درصد، معدل بین ۱۴-۱۰ داشتند و ۵۹ درصد آنها نیز دارای معدل فوق دیپلم بالای ۱۴ بودند. میانگین معدل فوق دیپلم دانشجویان مورد مطالعه برابر نیز با ۱۴/۸ به دست آمد. کمترین معدل ۱۲ و بیشترین معدل نیز ۱۹/۳۴ بیان شد. بررسی تعداد ترم های مشروطی پاسخگویان در مقطع فوق دیپلم مشخص نمود که اغلب آنان در هیچ ترمی مشروط نشده اند (۸۶/۵ درصد)، ولی ۸ درصد و ۵/۵ درصد آنان به ترتیب یک و دو ترم مشروطی داشتند. علاوه بر این یافته های تحقیق حاکی از آن بود که تعداد ۱۸۵ نفر (۸۹ درصد) پاسخگویان به رشته تحصیلی که در آن مشغول به تحصیل می باشند علاقه دارند و تعداد ۲۳ نفر (۱۱ درصد) پاسخگویان نیز اظهار داشتند که به رشته تحصیلی که در آن مشغول به تحصیل هستند علاقه ندارند. بررسی وضعیت مطالعه دانشجویان پاسخگو



از نظر تعداد ساعات مطالعه روزانه نیز نشان داد که بیشترین فراوانی (۱۰۱ نفر) مربوط به افرادی بود که روزانه ۲-۱ ساعت مطالعه دارند و کمترین فراوانی (۲۴ نفر) نیز مربوط به ساعات مطالعه بیشتر از ۵ ساعت بود و ۱۳ درصد این افراد نیز بیان نمودند که روزانه هیچ گونه مطالعه‌ای ندارند ضمن این که میانگین ساعات مطالعه روزانه این دانشجویان برابر با ۲/۶ ساعت محاسبه گردید. نتایج تحقیق در خصوص شغل پدر دانشجویان مورد مطالعه مشخص نمود که بیشترین فراوانی یعنی ۱۰۳ نفر (۴۹/۵ درصد) از پدران کارمند و کمترین نیز با فراوانی ۲۹ نفر (۱۴ درصد) کشاورز بودند ضمن اینکه ۵ نفر نیز به این سؤال پاسخ ندادند. همچنین نتایج تحقیق در خصوص شغل مادر دانشجویان مورد مطالعه مشخص کرد که ۱۸۰ نفر (۸۶ درصد) از مادران خانه‌دار، ۱۱ نفر شغل مادر خود را کارمند و ۱۰ نفر نیز شغل مادر خود را بازنشسته بیان نمودند. ضمن این که به این سؤال ۷ نفر پاسخ ندادند.

### آمارهای استنباطی

در قسمت آمار استنباطی، همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته یعنی پیشرفت تحصیلی دانشجویان با توجه به مقیاس اندازه‌گیری آن‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. همانگونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، بین متغیر سن دانشجویان و متغیر پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد ( $r = -0/153$ ,  $p = 0/028$ ) وجود دارد، بدین معنا که با افزایش سن دانشجویان میزان پیشرفت تحصیلی آنها نیز کمتر می‌شود. همچنین مشخص شد که بین متغیر معدل دیپلم دانشجویان و متغیر پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه‌ای مشاهده نشد. علاوه بر این یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که بین متغیر تعداد ساعات مطالعه دانشجویان و متغیر پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد ( $r = 0/222$ ,  $p = 0/001$ ) وجود دارد، بدین معنا که با هرچه میزان ساعات مطالعه دانشجویان افزایش یابد میزان پیشرفت تحصیلی آنها نیز بیشتر می‌شود. در ضمن اینکه نتایج حاکی از آن بود که بین تعداد اعضای خانوار دانشجویان مورد مطالعه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه منفی و معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد ( $p = 0/011$ )، ملاحظه گردید، مفهوم این یافته نیز بیانگر این مطلب است که هر چه تعداد اعضای خانوار دانشجویان بیشتر باشد میزان پیشرفت تحصیلی آنها کمتر می‌شود یعنی می‌توان گفت افراد با تعداد اعضای خانوار کمتر دارای پیشرفت تحصیلی بیشتری هستند.

جدول ۱- همبستگی برخی متغیرهای تحقیق با پیشرفت تحصیلی دانشجویان

متغیر مستقل	ضریب	سطح معنی‌داری
سن	$-0/153^*$	$0/028$
معدل دیپلم	$0/045$	$0/555$
تعداد ساعات مطالعه روزانه	$0/222^{**}$	$0/001$
تعداد اعضاء خانوار	$-0/167^*$	$0/011$
درآمد خانوار	$-0/030$	$0/724$
ویژگی های محیط آموزشی	$0/156^*$	$0/024$
ویژگی اساتید	$0/289^{**}$	$0/000$
ویژگی های شخصیتی	$0/168^*$	$0/015$
انگیزه پیشرفت	$0/097$	$0/164$
عزت نفس	$0/246^{**}$	$0/000$
خلاقیت	$0/045$	$0/516$
استعداد و هوش	$0/047$	$0/499$



همانگونه که در جدول فوق آمده است، بین ویژگی‌های محیط آموزشی محل تحصیل دانشجویان و متغیر پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $t=0/156$ ,  $p=0/024$ ) وجود دارد، بدین معنا که هر چه وضعیت محیط آموزشی محل تحصیل این دانشجویان بهتر باشد میزان پیشرفت تحصیلی آنها نیز بیشتر می‌شود. همچنین بین ویژگی‌های اساتید محل تحصیل دانشجویان و متغیر پیشرفت تحصیلی دانشجویان نیز رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $t=0/289$ ,  $p=0/000$ ) وجود دارد که این بدین معناست که هر چه وضعیت و توانایی اساتید محل تحصیل این دانشجویان بهتر باشد میزان پیشرفت تحصیلی آنها نیز بیشتر می‌شود. علاوه بر این، بین ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مورد مطالعه و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد ( $t=0/168$ ,  $p=0/015$ ) ملاحظه گردید. بدین معنا که هر چه این دانشجویان از نظر شخصیتی در سطح بالاتری باشند میزان پیشرفت تحصیلی آنها بیشتر می‌شود. در نهایت نیز نتایج موجود در جدول ۱ نشان دهنده این است که بین عزت نفس دانشجویان این مجتمع و متغیر پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $t=0/246$ ,  $p=0/000$ ) وجود داشت. بدین معنا که هر چه دانشجویان از عزت نفس بالاتری برخوردار باشند میزان پیشرفت تحصیلی آنها نیز بیشتر می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون من ویتنی جهت انجام آزمون مقایسه متغیرهای دوسطحی و اثرات آن‌ها بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان (جدول ۲)، نشان داد که بین زنان و مردان از نظر میزان پیشرفت تحصیلی تفاوت معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $p=0/048$ )، مشاهده شد بدین معنا که پیشرفت تحصیلی بین دانشجویان زن و مرد با یکدیگر متفاوت است. علاوه بر این بین نوع مالکیت مسکن دانشجویان و پیشرفت تحصیلی آنها تفاوت معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $p=0/009$ )، ملاحظه گردید. به طوریکه دانشجویان مستقر در منازل ملکی از پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردار بودند. نتایج مقایسه میانگین مندرج در جدول ۲ گویای این مطلب بود که بین علاقه‌مندی دانشجویان به رشته تحصیلیشان و پیشرفت تحصیلی آنها تفاوت معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ( $p=0/029$ )، ملاحظه گردید. در نهایت نتایج نشان داد که بین نوع رشته دیپلم دانشجویان مورد مطالعه و پیشرفت تحصیلی آنها تفاوت معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $p=0/008$ )، مشاهده شد بدین شکل که افرادی که مقطع دیپلم خود را در گرایش‌های کشاورزی به پایان رسانده‌اند در مقایسه با کسانی که رشته دیپلم آنها غیر کشاورزی بوده است، از پیشرفت تحصیلی بیشتری برخوردار بودند.

جدول ۲- نتایج آزمون مقایسه میانگین برخی متغیرها با پیشرفت تحصیلی دانشجویان در سطح دوگانه متغیرهای مستقل

متغیر	گروه‌ها	میانگین	آماره U	سطح معنی داری
جنسیت	زن	۸۹/۲۶	۳۰۶۷	۰/۰۴۸
	مرد	۱۰۸/۹۵		
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۰۲/۷۷	۴۷۴۱	۰/۷۶۶
	بیکار	۱۰۵/۳۹		
نوع رشته دیپلم	کشاورزی	۱۱۶/۰۵	۴۲۴۵	۰/۰۰۸
	غیرکشاورزی	۹۳/۸۱		
علاقه به رشته تحصیلی	بلی	۱۰۰/۹	۱۸۷۲/۵	۰/۰۲۹
	خیر	۱۲۷/۶۳		
محل سکونت	شهر	۹۹/۱۲	۴۳۰۵/۵	۰/۱۱۹
	روستا	۱۱۲/۵۹		

برای انجام آزمون مقایسه متغیرهای چندسطحی و اثرات آن‌ها بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان از آزمون کروسکال والیس مطابق جدول ۳ استفاده شد که بر این اساس ملاحظه شد که بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان مورد مطالعه در پنج گروه میزان تحصیلات پدر دانشجویان اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد مشاهده شد بعبارت دیگر کسانی که پدرشان از سطح





سواد بالاتری برخوردار باشند دارای پیشرفت تحصیلی بالاتری نیز می‌باشند. بین پنج گروه میزان تحصیلات مادر دانشجویان نیز با پیشرفت تحصیلی آنها اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد مشاهده شد بدین صورت که کسانی که مادرشان از سطح سواد بالاتری برخوردار باشند دارای پیشرفت تحصیلی بالاتری می‌باشند. علاوه بر این نتایج مشخص نمود که بین شغل پدران و مادران دانشجویان با پیشرفت تحصیلی آنها اختلاف معنی‌داری ملاحظه نشد.

**جدول ۳- نتایج آزمون مقایسه میانگین برخی متغیرها با پیشرفت تحصیلی دانشجویان در سطح چندگانه متغیرهای مستقل**

متغیر	گروه ها	میانگین	آماره خی دو	سطح معنی داری
سطح تحصیلات پدر	بیسواد	۷۹/۹۹	۲۹/۰۶۴	/۰۰۰
	زیر دیپلم	۱۰۱/۶۳		
	دیپلم	۱۲۵/۰۳		
	فوق دیپلم	۱۴۳/۴۵		
	لیسانس و بالاتر	۱۶۹/۷۵		
سطح تحصیلات مادر	بیسواد	۹۰/۸	۱۵/۵۴۲	/۰۰۴
	زیردیپلم	۱۰۵/۸۵		
	دیپلم	۱۳۵/۰۶		
	فوق دیپلم	۳۳/۵		
	لیسانس و بالاتر	۱۶۶		
شغل پدر	کارمند	۹۴/۵۱	۴/۶۴۴	/۲۰۰
	آزاد	۱۱۴/۸۳		
	کشاورز	۱۰۲/۲۸		
شغل مادر	خانه‌دار	۱۰۰/۵۷	۱/۴۴۲	/۶۹۶
	کارمند	۹۹/۳		
	بازنشسته	۹۱/۸۳		

### تحلیل رگرسیون جهت بررسی اثر جمعی متغیرهای مستقل بر پیشرفت تحصیلی

جهت شناخت تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان علمی-کاربردی مورد مطالعه از تکنیک رگرسیون گام به گام، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. روش کار این گونه بود که کلیه متغیرهای مستقل با مقیاس کمی و متغیرهایی که با طیف لیکرت سنجیده شده بودند وارد معادله شدند که این متغیرها عبارت بودند از: سن، معدل دیپلم، ساعات مطالعه، تعداد اعضای خانوار، درآمد خانوار، ویژگی‌های محیط آموزشی، ویژگی اساتید ویژگی‌های شخصیتی، انگیزه پیشرفت، عزت نفس، خلاقیت، استعداد و هوش و نگرش دانشجویان نسبت به مسائل آموزشی بودند.

**جدول ۴- ضرایب متغیرهای وارد شده بر معادله رگرسیون**

متغیر	B	خطای انحراف معیار	Beta	t	Sig
ضریب ثابت	۱۱/۱	۰/۸۷۰	-	۱۲/۷۵	/۰۰۰
ویژگی اساتید	۰/۶۵۱	۰/۲۱۷	۰/۲۵۵	۲/۹۹	/۰۰۳
تعداد ساعات مطالعه روزانه	۰/۱۷۵	۰/۰۷۲	۰/۲۰۵	۲/۴۲	/۰۱۷
عزت نفس	۰/۱۰	۰/۰۴۵	۰/۱۴۵	۲/۲۸۶	/۰۲۳





تعداد اعضای خانوار	-۰/۱۲۱	۰/۰۶۰	-۰/۱۷۱	-۲/۰۱۵	۰/۰۴۶
<b>F=۷/۷۴</b>	<b>D.W= ۱/۶۵</b>			<b>R2=۰/۴۰</b>	

نتایج اصلی تخمین رگرسیون گام به گام که در جدول ۴ آمده است نشان داد که بین متغیر ویژگی اساتید با پیشرفت تحصیلی دانشجویان مورد مطالعه در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و بین متغیرهای تعداد ساعات مطالعه روزانه، میزان هوش و استعداد دانشجویان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه ی مثبت و معنی داری ملاحظه گردید اما بین تعداد اعضای خانوار دانشجویان با پیشرفت تحصیلی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه ی معنی دار ولی منفی دیده شد. همچنین ضریب تعیین ( $R_2$ ) برای این معادله برابر با ۰/۴۰ بود که نشان دهنده این است که حدود ۴۰ درصد تغییر واریانس متغیر وابسته (پیشرفت تحصیلی) توسط متغیرهای مستقل وارد معادله شده تبیین گردیده است.

با توجه به معنی دار شدن اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق، معادله رگرسیونی را با توجه به ضرایب رگرسیونی (B) به شرح ذیل می توان نوشت:

$$Y = ۱۱/۱ + ۰/۶۵۱(A) + ۰/۱۷۵(B) + ۰/۱(C) - ۰/۱۲۱(D)$$

در رابطه ی فوق:

Y: پیشرفت تحصیلی

A: ویژگی اساتید

B: تعداد ساعات مطالعه روزانه

D: تعداد اعضای خانوار دانشجویان

C: عزت نفس

بر اساس رابطه فوق ضریب مثبت متغیرها حاکی از آن است که یک واحد تغییر در هر یک از این متغیرها باعث تغییر در پیشرفت تحصیلی هم جهت و به مقدار ضرایب این متغیرها خواهد شد. در تحلیل نتایج جدول ۴ می توان گفت که یک واحد افزایش در متغیرهای معنی دار پیشرفت تحصیلی دانشجویان به اندازه ضرایب (B) آنان تغییر خواهد کرد؛ یعنی بطور مثال اگر تعداد ساعات مطالعه روزانه دانشجویان یک ساعت افزایش یابد، پیشرفت تحصیلی دانشجویان ۰/۱۷ افزایش می یابد و چنان چه ویژگی های اساتید یک واحد افزایش یابد، پیشرفت تحصیلی دانشجویان ۰/۶۵ افزایش خواهد یافت و بر عکس.

## بحث

نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل مختلف با پیشرفت تحصیلی آنها نشان داد که بین سن دانشجویان مورد مطالعه با پیشرفت تحصیلی نیز رابطه ی منفی و معنی داری بدست آمد که بیانگر این مطلب است که با افزایش سن دانشجویان میزان پیشرفت تحصیلی آنها کاسته می شود یعنی افراد با سنین پائین تر به مراتب از افراد با سنین بالاتر از پیشرفت تحصیلی بهتری نیز برخوردارند. این نتیجه نیز با یافته تحقیقات علیجانی و همکاران (۱۳۸۳) و سنایی نسب و همکاران (۱۳۹۱) همسو می باشد. همچنین نتیجه حاصل از آزمون پیرسون نشان داد که بین ویژگی های اساتید مراکز علمی-کاربردی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان این مراکز رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد، یعنی هرچه اساتید از نظر علمی، اجتماعی، فرهنگی و غیره قوی تر باشد پیشرفت تحصیلی دانشجویان نیز بیشتر می شود همان گونه که نتایج مطالعات پورآثشی و همکاران (۱۳۸۸)، سازمان یونسکو (۱۹۹۲) و پلاتو (۲۰۰۶) نیز مؤید این مطلب است.

بررسی ها نشان داد که عزت نفس دانشجویان نیز با پیشرفت تحصیلی آنها رابطه ی مثبت و معنی داری دارد به این شکل که دانشجویان هر چه عزت نفس بیشتری داشته باشند پیشرفت تحصیلی بیشتری نیز دارند. این یافته با یافته مطالعات عابدی و عریضی (۱۳۸۱) و آبنیکی فرد (۱۳۸۲) هم سو می باشد. شرایط و امکانات محیط آموزشی نیز با پیشرفت تحصیلی رابطه ی معناداری نشان داد یعنی هرچه این امکانات بهبود یابد پیشرفت تحصیلی دانشجویان نیز بهبود می یابد همان گونه که یافته ها ی تحقیقات



پور آتشی و همکاران (۱۳۸۸) و سازمان یونسکو (۱۹۹۲) نیز این مطلب را تأیید می‌کند. علاوه بر این نتایج این تحقیق بیانگر این مطلب بود که بین ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مورد مطالعه با پیشرفت تحصیلی آنها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این یافته نیز با نتیجه تحقیقات عابدی و عریضی (۱۳۸۱)، زمانی و امیری (۱۳۸۲) و قربانی و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت دارد. با انجام آزمون من ویتنی مشخص گردید که بین جنسیت دانشجویان مورد مطالعه با پیشرفت تحصیلی آنان اختلاف معنی‌داری مشاهده گردید. این یافته با نتیجه حاصل از پژوهش‌های رودباری و اصل مرز (۱۳۸۹) و سنایی نسب و همکاران (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. علاوه بر این نتایج نشان داد که بین داشتن و نداشتن علاقه به رشته‌ی تحصیلی از سوی دانشجویان مورد مطالعه با پیشرفت تحصیلی آنها اختلاف معنی‌داری ملاحظه گردید. همانگونه که مطالعات پورآتشی و همکاران (۱۳۸۸) و سنایی نسب و همکاران (۱۳۹۱) نیز بیانگر این مطلب بوده است. در نهایت نتیجه حاصل از آزمون کروسکال والیس نشان داد که بین میزان تحصیلات پدر و مادر دانشجویان مورد مطالعه با پیشرفت تحصیلی آنها اختلاف معنی‌داری مشاهده گردید. این یافته با نتیجه تحقیقات زمانی و امیری (۱۳۸۲) و حجازی (۱۳۸۳) همسو می‌باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاداتی به شرح زیر بیان می‌گردد:

- به دلیل رابطه مثبت و معنی دار بین انگیزه و علاقه و پیشرفت تحصیلی توصیه می‌شود که از روش‌های تدریس و یادگیری متنوع و جذاب که در آن توان انجام کارهای عملی و میدانی، توانایی حل مسئله برای همراه شدن با تحولات سریع عصر حاضر و توان تجربه‌ی کار در شرایط واقعی مهیا می‌گردد، به جای روش‌های قدیمی استفاده شود. به گونه‌ای که زمینه انگیزه و علاقه‌ی بیشتر برای پیشرفت تحصیلی و موفقیت شغلی در دانشجویان به وجود آید. در این راستا می‌توان از الگوی یادگیری تجربی در مراکز آموزش علمی-کاربردی بهره گرفت. لذا پیشنهاد می‌گردد که سیاست‌ها، خطی‌مشی‌ها و راهکارهای عملی‌سازی یادگیری تجربی در این مراکز، به دلیل افزایش انگیزه و علاقه در دانشجویان، اتخاذ گردد. همچنین دوره‌های آموزشی کافی و مناسب برای اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها جهت بهره‌گیری بیشتر از روش‌های تدریس و یادگیری نوین، متنوع و مؤثر مانند تدریس و یادگیری تجربی فراهم شود.

- یکی از مهمترین اهداف نظام‌های آموزشی جوامع فراهم آوردن امکان ارائه آموزش متناسب با مهارت‌های شغلی مورد نیاز جامعه است. بنابراین در طراحی هر نظام آموزشی اثر بخش، می‌بایست عوامل مهمی چون شرایط و ویژگی‌های داوطلبان، محتوای دروس، تسهیلات، تجهیزات و امکانات مورد نیاز و غیره مد نظر قرار گیرند. لذا توصیه می‌شود که امکانات آزمایشگاهی مراکز آموزش علمی-کاربردی افزایش یابد. ضرورت دارد، مراکز آموزش علمی-کاربردی در تجهیز سایت کارگاه رایانه، کتابخانه به خصوص از نظر تعداد جلد کتاب تخصصی اقدام سریع معمول داشته و وسایل کمک آموزشی، کتب و جزوات با قیمت‌های ارزان را که به نوعی می‌توانند در یادگیری، بالا بردن کیفیت تدریس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان نقش داشته باشند تهیه و در اختیار قرار دهند.

- به نظر می‌رسد اگر آموزش‌های علمی-کاربردی در کنار سایر اقدامات ترغیب کننده و تسهیل کننده قرار گیرند، اثر بخشی قابل توجهی خواهند داشت. لذا برای جذب دانشجویان قوی تر به این آموزش‌ها، حمایت از آنان از طریق کاهش شهریه تحصیلی، ارائه کمک و مساعدت مالی از قبیل تخفیف، قسط بندی شهریه، اعطای وام دانشجویی با زمان باز پرداخت آن پس از اشتغال دانشجو، تامین بخشی از امکانات رفاهی و غیره ضروری به نظر می‌رسد.

- توسعه فعالیت‌های فرهنگی-علمی در مراکز آموزش علمی-کاربردی از جمله برگزاری سخنرانی‌ها، سمینارها و توسعه‌ی فعالیت‌های ورزشی، توسعه‌ی فضا‌های ورزشی، تفریحی، برگزاری نمایشگاه در خصوص دستاوردها، جلب مشارکت و میدان دادن به افرادی که به علم و دانش علاقمندند.

- تلاش در جهت بالا بردن روحیه‌ی دانشجویان و توجه آنها به نقششان در جامعه که بایستی افرادی کار آفرین باشند نه دنباله‌رو. بنا بر این پیشنهاد می‌شود ترتیبی اتخاذ شود که دانشجویان با علاقه مندی بیشتر پای به این مراکز آموزشی بگذارند و جهت



افزایش آگهی دانشجویان از رشته تحصیلی پذیرش شده، جلساتی با شرکت دانشجویان، با حضور مدیران گرو های آموزشی و معاونان آموزشی دانشکده ها در هفته ی اول شروع کلاس ها تشکیل گردد.

- شیوه ی تدریس مناسب مدرسان، میزان امکانات مراکز در تربیت دانشجویان کار آفرین، میزان انطباق رشته های علمی- کاربردی با مشاغل موجود در بازار و ایجاد فرهنگ کار آفرین و باز نگری برنامه های درسی از عوامل موثر نظام علمی- کاربردی در ایجاد انگیزه ی کار آفرینی دانشجویان رشته های علمی- کاربردی می باشد.

- با توجه به کار کرد مؤثر آموزش های علمی- کاربردی در ایجاد اشتغال، شایسته است مسئولان نظام آموزش عالی برنامه توسعه و گسترش این آموزش ها را بر اساس نیازهی ملی، منطقه ای و استانی کشور، تهیه و اجرا نمایند. لذا پیشنهاد می شود تدبیری اتخاذ گردد که اولاً: ظرفیت پذیرش دانشجو بر اساس نیاز آینده بازار کار به نیروی متخصص تعیین شود و ثانیاً: مجوز های ایجاد رشته تحصیلی در دانشگاه دائمی نباشد و با تغییر در کیفیت نیاز های جامعه و تخصص های جدید، مجوز ها ی صادره تغییر یابند.

- به منظور هماهنگی در سیاست گذاری و هدایت آموزش های علمی- کاربردی، شورایی مرکب از نمایندگان وزارت خانه های علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی و سازمان های مجری با مسئولیت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تشکیل شود و نظام جامع توسعه ی آموزش های علمی- کاربردی را تدوین نماید.

- پیشنهاد می شود با توجه به نیاز به سرمایه گذاری برای اجرای برنامه های آموزشی علمی- کاربردی، دولت به ویژه سازمان مدیریت و برنامه ریزی عنایت بیشتری به بودجه ی بخش آموزش داشته باشد و درصدی از در آمد یا سود بخش های مختلف جامعه را که مصرف کننده ستاد های نظام آموزشی هستند به آموزش علمی- کاربردی به منظور تأمین امکانات و تجهیزات لازم اختصاص دهند.

## منابع مورد استفاده

- ۱- آبنیکی فرد، ز. (۱۳۸۲). رابطه بین عزت نفس، انگیزه ی پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم دبیرستان شاهد تهران و مقایسه ی اثربخشی دو روش حل مسأله و مهارت های ارتباطی در افزایش عزت نفس آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ۲- پور آتشی، م. و موحد محمدی، ح. (۱۳۸۶). عوامل بازدارنده استفاده از فناوری اطلاعات از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته های کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد سوم، شماره دوم.
- ۳- جعفری نژاد، ه.؛ سعدی پور، ا.؛ حاجی حسنی، م. و محمدجانی، ه. (۱۳۹۱). رابطه ی ویژگی های شخصیتی و روش های مطالعه با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان کارشناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران. فصلنامه روان شناسی تربیتی، شماره بیست و پنجم، سال هشتم.
- ۴- حجازی، ی. (۱۳۸۳). نقش عوامل اقتصادی- اجتماعی در موفقیت تحصیلی و عملکرد شغلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران. فصلنامه ی علوم اجتماعی، شماره ی ۲۳.
- ۵- حجازی، ی. و هاشمی نژاد، آ. (۱۳۹۰). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در پیشرفت تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۷، شماره ۲.
- ۶- دانشگاه جامع علمی- کاربردی (۱۳۷۶). معاونت آموزشی و پژوهشی. سیمای دانشگاه جامع علمی- کاربردی، تهران.
- ۷- رودباری، م. و اصل مرز، ب. (۱۳۸۹). بررسی پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان و عوامل مرتبط با آن در سال تحصیلی ۸۶-۸۷. گام های توسعه در آموزش پزشکی، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان.
- ۸- زمانی، غ. و امیری اردکانی، م. (۱۳۸۲). موفقیت تحصیلی از دید فرهیختگان کشاورزی، مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیستم، شماره اول.



- ۹- سلیمان نژاد، ا. و شهرآرای، م. (۱۳۸۰). ارتباط منبع کنترل و خود تنظیمی با پیشرفت تحصیلی. *مجله روان شناسی و علوم تربیتی*، سال ۳۱، شماره ۲.
- ۱۰- سنایی نسب، ه.؛ رشیدی جهان، ح. و صفاری، م. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان. *فصلنامه ی راهبرد آموزش*، دوره ۵، شماره ۴.
- ۱۱- شریعتمداری، م. (۱۳۸۳). ضرورت و نقش آموزش در بهسازی نیروی انسانی و توسعه در هزاره سوم. *فصلنامه خرد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- ۱۲- عابدی، ا. و عریضی، ح.ر. (۱۳۸۱). بررسی رابطه ی انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره ی متوسطه شهر اصفهان با ویژگی های خانوادگی و شخصیتی آنان. *فصلنامه آموزه*، شماره ۱۳.
- ۱۳- عباس پو، ع. (۱۳۸۲). *مدیریت منابع انسانی پیشرفته (رویکردها، فرایندها و کارکردها)*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- عصاره، ع.ر. (۱۳۷۸). بررسی برنامه درسی اجرا شده و برنامه ریزی کسب شده در درس ریاضی دوره راهنمایی و شناسایی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان براساس چهارچوب سومین مطالعه ی بین المللی ریاضیات و علوم. رساله ی دکتری.
- ۱۵- فیروزکوهی مقدم، ط. (۱۳۸۱). بررسی جریان های مختلف آموزش عالی در ایران. مؤسسه ی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران.
- ۱۶- قربانی، ا. (۱۳۹۲). ارتباط بین تیپ شخصیتی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین. *فصلنامه پژوهش پرستاری*، دوره ۸، شماره ۲۸.
- ۱۷- منبری، ر.؛ قالب تراش، ه. و موسوی، غ.ع. (۱۳۸۵). علل عدم موفقیت تحصیلی در دانشجویان رشته ی پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، شماره ۶، بهار و تابستان.

- 18- Harrison, L.J, Clarke, L., & Ukgerer. J.A. (2006). children's drawing provid a new prespective on teacher – child relation guality and school adjustment. *Australia Macquarie university* . Early childhood Research Quarterly . 55-71.
- 19- Johnson, D. (1991). Student achievement and factors related to achievement in a stat FFA agricultural mechanics contest. *Journal of Agricultural Education*. P23-28.
- 20- Peterson J. (2001). A follow up study of one group an achievers and under achievers four years after high school graduation. *Journal of Roper Review 2002*; 22(44): 217.
- 21- Unesco. (1997). Higher education in the twenty- first century vision and action. paris.



## Investigation of Factors Affecting Student Achievement in Higher Education Integrating Science - Applied Agricultural Jihad of the Sistan and Baluchestan

Hadi Minab Podineh<sup>1</sup>, Gholam Abbas Mollashahi<sup>\*2</sup>, Meghdad Nasehinia<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Faculty of Agriculture, University of Islamic Azad, Birjand, Iran, <sup>2</sup> Faculty of Agriculture, Tabriz University, Tabriz, Iran, <sup>3</sup> Faculty of Agriculture, University of Islamic Azad, Birjand, Iran

### Abstract

One of communities small but high-impact across the country, University of Science - Applied and centers are dependent on future managers who make up the community. Based on this review the progress of students from higher education scientific - practical, can be effective and efficient enforcement in producing graduates in various sectors of agriculture, industry and services contributed to the present study to investigate the factors affecting the development of Integrating students higher Education - practical Agriculture in Sistan and Baluchestan is applied and methods of the survey is. A survey of 936 undergraduate students from the Higher Education Resource Center - Agricultural province, which was applied according to the formula 208 of them as the sample size was carried out. The research instrument was a questionnaire whose validity and reliability of the research committee of the questionnaire was confirmed by Cronbach's alpha coefficient. Data gathered by a questionnaire and were analyzed using the software SPSS.20. there was a significant negative correlation with academic achievement. In addition, the results of the comparison between variables indicated that students' gender, marital status, type of diploma courses, interest in the field of education, home ownership and education of students with their academic achievements there were significant differences. Findings from the stepwise regression analysis also showed that between 99 percent and specificity of professors between the hours of daily study, students self-confidence level of 95 percent positive correlation - correlation with academic achievement was significant, but the number family members of students' academic achievement in at 95 percent and there was a significant negative correlation, the total of these variables explained 40 percent of the changes in the educational attainment variable.

**Key Words:** Achievement, Agriculture, Academic - Applied University, Sistan and Baluchestan.